سه‌شنبه ۴ مهر ۱۴۰۲ . شماره ۲۱۳۱۶
۱۰ ربیع‌الاول ۱۴۴۵ . ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۳
خراسان روزنامه صبح ایران

آیا پذیرش صلح بعد از «آزادسازی خرمشهر» ممکن بود؟

برخی معتقدند که جنگ تحمیلی باید پس از عملیات پیروزمندانه «بیت‌المقدس» متوقف می‌شد و تداوم آن، نتایج خسارت‌باری برای کشور در پی داشت. در نوشتار پیشِ‌رو با تکیه بر شواهد و اسناد تاریخی به ارزیابی این ادعا پرداخته‌ایم

جواد نوائیان رودسری- در نوشتار روز قبل به شبهه‌ای درباره چگونگی آغاز جنگ تحمیلی پرداختیم و با استناد به گزارش‌های موجود در منابع خارجی و اظهارات برخی دیپلمات‌های بلندپایه رژیم صدام، دلایلی را ارائه کردیم که نشان می‌داد، برنامه حمله نظامی به خاک ایران، ارتباطی به شعارها و آرمان‌های انقلابِ مردمِ ما نداشت، بلکه یک برنامه از پیش تعیین‌شده در راستای رسیدنِ به اهداف توسعه‌طلبانه صدام، آن هم دو ماه بعد از در اختیار گرفتن کامل قدرت در عراق و قتل‌عام همه مخالفان حتی برخی از هم‌حزبی‌های قدیمی‌اش بود. با این حال شبهه‌های مربوط به دفاع مقدس که آگاهانه و ناآگاهانه در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، ذهن و فکر جوانان ایرانی را هدف قرار می‌دهد و درگیر می‌کند، تنها به آغاز جنگ تحمیلی محدود نمی‌شود و پایان آن را هم در بر می‌گیرد. یکی از شبهه‌های رایج که گاه در فضاهای گوناگون مطرح می‌شود، مربوط به وضعیت غلبه ما بر نیروهای متجاوز، بعد از سوم خرداد ۱۳۶۱ و آزادسازی خرمشهر است؛ این که آیا ضرورتی داشت بعد از آزادسازی خرمشهر و غلبه بزرگ نظامی بر عراق، جنگ را ادامه بدهیم؟ آیا لازم بود درگیری با رژیم صدام تا حدود شش سال بعد ادامه پیدا کند؟ آیا نمی‌شد خسارت‌های ناشی از جنگ را با یک صلح سریع، به حداقل رساند؟ در پاسخ به این اظهارات و ادعاها، سخنان و پاسخ‌های متنوع و گاه متضادی مطرح شده است و نقل قول‌های تایید نشده در این زمینه، از بزرگان نظام و حتی حضرت امام(ره) کم نیست. صرف نظر از این اظهارات و نیز، صحت و سقم آن‌ها که باید در مجالی موسع بررسی شود و شاید فضای محدود صفحات روزنامه، پاسخگوی آن‌ها نباشد، می‌توان به این شبهه با استناد به اسناد و نیز، شواهد مورد تایید مجامع بین‌المللی و حتی برخی سران رژیم بعث، پاسخ داد. موضوعی که بر آنیم در این نوشتار مختصر، به تجزیه و تحلیل آن بپردازیم. قطع به یقین، پاسخ به این شبهه از دیگر جوانب نیز، قابل اعتناست و این که ما با چنین رویکردی وارد فضای پاسخگویی شده‌ایم، به معنای رد دیگر شواهد و تحلیل‌ها نیست. با توجه به آن چه اشاره کردیم بحث را آغاز و شواهد و اسناد موجود را بررسی خواهیم کرد.

■ **ورود به بحث**

برگردیم به سوال و در واقع شبهه اصلی بحث: آیا ادامه جنگ بعد از آزادسازی خرمشهر لازم بود؟ برای پاسخ به این شبهه، باید جوابی برای سه پرسش مهم داشته باشیم؛ نخست این که اصولاً هدف عراق از حمله به ایران چه بود و چرا جنگ به ما تحمیل شد؟ دوم این که وضعیت ایران از نظر نظامی و میدانی، بعد از فتح خرمشهر چگونه بود؟ و سوم این که آیا این اقدام - یعنی توقف جنگ - از نظر بین‌المللی می‌توانست تضمینی برای منافع و خواسته‌های ایران ایجاد کند؟

پاسخ به پرسش نخست:

در نوشتار روز قبل توضیح دادیم که صدام جنگ را یک «فعل ناگزیر» نمی‌دانست و آن را یک ابزار برای دستیابی به زیاده‌خواهی و جاه‌طلبی‌هایش فرض می‌کرد. در واقع این جنگ از سوی رژیم بعث، به هیچ عنوان جنگی دفاعی تلقی نمی‌شد، بلکه بر اساس فکر و دیدگاه صدام، یک نبرد کاملاً تهاجمی برای کسب غنایم - در انواع و شکل‌های گوناگون آن - بود. اهداف صدام در دو بخش داخلی و بین‌المللی تعریف شده بودند. در بخش نخست، صدام ادعا می‌کرد که قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر زیر سایه قدرت آمریکا به عراق تحمیل شده است. در آن زمان، شاه به عنوان متحد اول کاخ سفید در منطقه شناخته می‌شد و عراقی‌ها به دلیل درگیری‌های داخلی و نیز، موضوع دیدگاه‌های چپ‌گرایانه حزب بعث و نزدیکی نسبی بغداد به شوروی، در برابر قدرت آمریکایی‌ها ناچار به عقب‌نشینی شدند - گو این که موضوع حق ایران در اروندرود، از نظر تاریخی مسئله‌ای مربوط به دوره استیلای عثمانی بر بین‌النهرین بود و اصولاً از سوی طرف مقابل ایران در آن زمان و در مقابل چشم‌پوشی ایران از برخی ادعاهایش در شمال غرب، به رسمیت شناخته شده بود - با چنین استدلالی صدام مدعی بود که قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را به رسمیت نمی‌شناسد و خواستار به دست آوردن هر آن چیزی است که طی آن قرارداد، از آن‌ها چشم‌پوشی کرده. این مطالبه بی‌ربط، طی ماه‌های منتهی به جنگ تحمیلی، با مانورهای گسترده رسانه‌ای در میان مردم عراق تبلیغ می‌شد تا اذهان عمومی را برای یک جنگ تهاجمی و تمام عیار آماده کند. در بخش دوم، صدام به شدت مایل بود که نقشی مانند جمال عبدالناصر را در جهان عرب پیدا کند. به همین دلیل، بخشی از ادعاهای آغاز جنگ خود را با ایران، به ادعاهای این کشورها و در رأس آن‌ها امارات گره زد و بحث گرفتن جزایر سه‌گانه از ایران و واگذاری آن به ابوظبی را مطرح کرد تا بتواند هم از حمایت مالی کشورهای عربی برخوردار باشد و هم نقش مدنظرش را در جهان عرب به دست آورد.

> صلح و توقف عملیات دفاع، در شرایطی که دشمن هنوز بخش‌هایی از خاک کشور را در اختیار دارد، نمی‌تواند اقدامی خردمندانه باشد؛ آن هم درباره دشمنی مانند صدام که هجوم‌وی به خاک ایران، ابزاری برای دستیابی به مطالبات و ادعاهای مجعول و زیاده‌خواهانه‌وی بود و اهداف مختلف و متعددی را برای انجام عملیات نظامی علیه ایران در نظر داشت

نتیجه‌گیری: با توجه به این رویکرد صدام، قبول صلح باوی، آن هم در شرایطی که ایران دست برتر را داشت و ارتش رژیم بعث دچار شکست‌های سنگینی در بیشتر جبهه‌ها شده بود، بدون داشتن تضمین‌های قابل اعتماد، اقدامی ناشیانه بود. هرچند صدام با ایجاد جو اختناق و دیکتاتوری در عراق، به کسی اجازه نفس کشیدن نمی‌داد، اما در برابر ادعاهایی که پیش از جنگ مطرح کرده، مسئول بود و باید پاسخی قابل تطبیق با شرایط جدید پیدا می‌کرد. این پاسخ، قطعاً قبول شکست در برابر ایران نبود و به همین دلیل، موضوع حمله مجدد به مرزهای ایران، پس از بازسازی ارتش و تقویت لجستیکی نیروهای نظامی از درجه احتمال بسیار بالایی برخوردار بود. این مسئله در موضوع و جهه صدام در جهان عرب نیز، مصداق روشنی پیدا می‌کرد و او، در برابر آن همه ادعا و مانورهای تبلیغاتی، باید دستاوردی را پیش روی متحدانش قرار می‌داد تا بتواند موقعیت خود را حفظ کند. بنابراین، بعید و بسیار بعید به نظر می‌رسید که صدام اهداف اولیه را کنار بگذارد و تن به صلحی پایدار بدهد.

پاسخ به پرسش دوم:

برخی معتقدند که ایران، بعد از فتح خرمشهر به هدف خود، یعنی بیرون راندن دشمن از خاکِ پاکِ میهن دست یافته بود و دیگر لزومی نداشت که میدان نبرد را به داخل خاک مهاجمان بکشاند. در پاسخ باید گفت که هرچند با پیروزی‌های درخشان رزمندگان اسلام، به‌ویژه در عملیات‌های بیت‌المقدس و ثامن‌الائمه(ع)، بخش‌های مهمی از خاک ایران، از لوث وجود دشمن بعثی پاک شده بود، اما این پیروزی‌ها به معنای بیرون راندن کامل دشمن از سرزمین مادری نبود. هنوز بخش‌های نسبتاً زیادی از ایران، در اشغال دشمن قرار داشت. شواهد مربوط به این مسئله را می‌توان در طراحی و اجرای عملیات‌های بعدی ملاحظه کرد؛ مثلاً در عملیات مُحَرَّم که ۱۰ آبان سال ۱۳۶۱ در منطقه عملیاتی دهلران و موسیان به اجرا درآمد، بیش از ۷۰۰ کیلومتر از اراضی اشغالی، آزاد و از لوث وجود دشمن پاک شد. معنای چنین شواهدی، تداوم حضور دشمن در داخل خاک کشور، بعد از آزادسازی خرمشهر است.

نتیجه‌گیری: صلح و توقف عملیات دفاع، در شرایطی که دشمن هنوز بخش‌هایی از خاک کشور را در اختیار دارد، نمی‌تواند اقدامی خردمندانه باشد؛ آن هم درباره دشمنی مانند صدام که هجوم‌وی به خاک ایران، ابزاری برای دستیابی به مطالبات و ادعاهای مجعول و زیاده‌خواهانه‌وی بود و چنان که شرح دادیم، اهداف مختلف و متعددی را برای انجام عملیات نظامی علیه ایران در نظر داشت. از سوی دیگر - چنان که خواهیم گفت - هیچ تضمین قابل اعتمادی برای بازگرداندن ارتش رژیم بعث به مرزهای بین‌المللی وجود نداشت و به همین دلیل، پذیرش صلح در آن شرایط، نوعی رها کردن عملیات دفاع و ناتمام گذاشتن اخراج دشمن از سرزمین مادری تلقی می‌شد و نمی‌توانست توجیه عقلانی داشته باشد.

پاسخ به پرسش سوم

این که آیا پذیرش پایان جنگ می‌توانست برای ایران، تضمینی مطمئن برای تحقق خواسته‌هایش در سطح بین‌المللی ایجاد کند، مهم‌ترین و جدی‌ترین بحث در نوشتار حاضر است. گیریم که در آن شرایط قبول می‌کردیم که جنگ تمام است، آیا اسناد بین‌المللی و به ویژه قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، می‌توانست خواست ایران را برای یک پایان شرافتمندانه تامین کند؟ یادمان نرود که تصمیم‌گیرندگان، نه فقط نسبت به افکار عمومی معاصر خود، بلکه در برابر افکار عمومی نسل‌های بعد نیز، پاسخگو خواهند بود. همین الان تحلیل ما درباره عهدنامه‌های گلستان یا ترکمانچای چیست؟ چه نظری درباره قرارداد آخال داریم یا مثلاً درباره قرارداد صلح آماسیه یا ارزنة الروم، چگونه می‌اندیشیم؟ قضاوت و تحلیل ما از شرایط چیست؟ آیا این قراردادها توانستند منافع ایران را تامین کنند؟ غرض ما البته مقایسه میان قراردادها و اتفاقات تاریخی نیست؛ این کار را نه تنها نمی‌توان انجام داد، بلکه اصولاً چنین مقایسه‌ای اصلاً منطقی و دقیق از کار درنمی‌آید، زیرا نمی‌توانیم شرایط زمانی و مکانی را عیناً تطبیق دهیم. هدف آن است که بدانیم تصمیم‌گیرندگان در معرض قضاوت نسل‌های آینده هم قرار دارند و باید به گونه‌ای مطالبات را مطرح کنند که علاوه بر جامع و کامل بودن، حداکثر خواسته‌های منطقی را محقق کند.

قطعنامه‌های شورای امنیت درباره جنگ تحمیلی عراق علیه ایران

ردیف	شماره قطعنامه	تاریخ تصویب	توجه به درخواست‌های ایران
۱	۴۷۹	۵۹/۷/۵	نشده است
۲	۵۱۴	۶۱/۴/۲۱	بازگشت به مرزهای بین‌المللی
۳	۵۲۲	۶۱/۷/۱۲	بازگشت به مرزهای بین‌المللی
۴	۵۴۰	۶۲/۸/۸	نشده است
۵	۵۵۲	۶۳/۳/۱۱	نشده است
۶	۵۸۲	۶۴/۱۱/۵	بازگشت به مرزهای بین‌المللی - مبادله اسرا
۷	۵۸۸	۶۵/۷/۱۶	بازگشت به مرزهای بین‌المللی - مبادله اسرا
۸	۵۹۸	۶۶/۴/۲۹	بازگشت به مرزهای بین‌المللی - مبادله اسرا - تعیین مسئول آغاز جنگ
۹	۶۱۲	۶۷/۲/۱۹	نشده است - جنبه توصیه دارد
۱۰	۶۱۹	۶۷/۵/۱۸	نشده است - جنبه توصیه دارد
۱۱	۶۲۰	۶۷/۶/۴	بعد از آتش‌بس
۱۲	۶۳۱	۶۷/۱۱/۱۹	بعد از آتش‌بس
۱۳	۶۴۲	۶۸/۷/۷	بعد از آتش‌بس
۱۴	۶۵۱	۶۹/۱/۹	بعد از آتش‌بس
۱۵	۶۷۱	۶۹/۷/۵	بعد از آتش‌بس

دولت ایران در آن زمان و در برابر پیشنهادهای صلحی که در قالب قطعنامه‌ها ارائه می‌شد، همواره سه درخواست مهم و راهبردی را مطرح می‌کرد: ۱- آزادی اسرا ۲- بازگشت به مرزهای بین‌المللی و ۳- تعیین مسئول شروع جنگ. هدف ایران از پافشاری بر خواسته سوم، ایجاد سندی بین‌المللی برای تعیین متجاوز و استفاده از آن برای طرح دعاوی سیاسی و حقوقی بعد از جنگ در راستای احقاق حقوق ملت بود. برخلاف تحلیل برخی، این پافشاری را نمی‌توان بی‌مورد و غیرمنطقی دانست؛ چراکه اگر مسئول اصلی جنگ مشخص نمی‌شد، صدام بعدها می‌توانست ادعاهای دیگری را مطرح و افکار عمومی جهان را با خود همراه کند.

اما درباره موضوع قطعنامه‌ها که برخی آن‌ها را به عنوان تضمین بین‌المللی برای عقب‌نشینی ارتش صدام به مرزها و تحقق خواسته‌های بحق ایران تلقی می‌کنند، ذکر چند نکته ضروری است:

یکم: شورای امنیت سازمان ملل متحد، از آغاز جنگ تحمیلی و تا حدود دو سال بعد از پذیرش آتش‌بس، در مجموع ۱۵ قطعنامه درباره جنگ تحمیلی صادر کرد؛ قطعنامه‌های ۴۷۹، ۵۱۴، ۵۲۲، ۵۴۲، ۵۵۲، ۵۸۲، ۵۸۸، ۵۹۸، ۶۱۲، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۳۱، ۶۴۲، ۶۵۱ و ۶۷۱. این قطعنامه‌ها بین پنجم مهر ۱۳۵۹ تا پنجم مهر ۱۳۶۹ - طی ۱۰ سال - صادر شده است. (تاریخ‌های تصویب و برخی مفاد آن را می‌توانید در جدول ببینید.)

دوم: تطبیق مفاد مندرج در قطعنامه‌ها با نیازهای عراق در جنگ شگفت‌انگیز است. قطعنامه نخست، یعنی قطعنامه ۴۷۹، درست زمانی تصویب شد که رژیم بعث بخش‌های وسیعی از خاک ایران را اشغال کرده و در حال پیشروی بود. از این قطعنامه تا قطعنامه بعدی، یعنی قطعنامه ۵۱۴، چیزی نزدیک به دو سال فاصله است. در این مدت، صدایی از شورای امنیت در نیامد و تنها زمانی که ارتش عراق در خرمشهر مغلوب و بخش‌های وسیعی از اراضی اشغالی آزاد شد، قطعنامه ۵۱۴ را به تصویب رساندند که تنها به موضوع بازگشت به مرزهای بین‌المللی اشاره می‌کرد و در آن، خبری از تبادل اسرا و تعیین مسئول آغاز جنگ نبود. نکته جالب این جاست که صدام، با توجه به قرار گرفتن در موضع ضعف، بلافاصله این قطعنامه را پذیرفت و بر طبل صلح کوبید. در حالی که این قطعنامه، اصولاً تکلیف جنگ را حتی درباره بدیهی‌ترین چیزها، یعنی تبادل اسرا، تعیین نمی‌کرد و همه چیز را به آینده می‌سپرد. تصورش را بکنید که اگر در آن زمان، دولت ایران با چنین قطعنامه‌ای موافقت می‌کرد و تن به صلح می‌داد، همان کسانی که امروز مدعی لزوم پایان جنگ و پذیرش صلح در این مقطع هستند، درباره این اقدام چه می‌گفتند و چه می‌نوشتند؟ آیا مسئولان آن زمان را متهم به اهمال و ساده‌انگاری در برابر رویکردهای فریبکارانه مجامع بین‌المللی نمی‌کردند؟ آیا نمی‌گفتند پس تکلیف اسرای در بند، اراضی در اشغال مانده و مطالبات بحق ایران چه می‌شود؟

سوم: نکته بسیار مهم و قابل تامل این است که ایران، هر چه در جریان دفاع مقدس پایداری بیشتری به خرج می‌داد و با جانبازی رزمندگان سلحشورش، بیشتر بر دشمن فشار می‌آورد، لحن مفاد و مندرجات قطعنامه‌های شورای امنیت، بیشتر به سمت خواسته‌های بحق ایران متمایل می‌شد؛ کافی است به متن قطعنامه ۵۸۲ نگاهی بیندازیم تا دریابیم که تسلط ایران بر آن سوی اروند و سپس تهدید و در نهایت فتح بندر راهبردی فاو، چگونه موضوع تبادل اسرا، به عنوان دومین خواست بحق ایران را، بعد از پنج سال نبرد بی‌امان، برای نخستین بار در متن قطعنامه گنجاند. نکته مهم این جاست که جمهوری اسلامی ایران، در میان تمام قطعنامه‌هایی که از سوی شورای امنیت تصویب می‌شد، نهایتاً قطعنامه ۵۹۸ را که متضمن اجرای هر سه درخواست ایران بود،

> ایران، هر چه در جریان دفاع مقدس پایداری بیشتری به خرج می‌داد و با جانبازی رزمندگان سلحشورش، بیشتر بر دشمن فشار می‌آورد، لحن مفاد و مندرجات قطعنامه‌های شورای امنیت، بیشتر به سمت خواسته‌های بحق ایران متمایل می‌شد. کافی است به متن قطعنامه ۵۸۲ نگاهی بیندازیم تا به این واقعیت پی ببریم

پذیرفت. ممکن است این سوال پیش آید که این قطعنامه در تیر ۱۳۶۶ تصویب شد؛ پس چرا ایران در پذیرش آن تعلل کرد؟ پاسخ به این سوال، البته از بحث این نوشتار که بر آن است به موضوع لزوم یا لزوم نداشتن پایان جنگ بعد از آزادسازی خرمشهر بپردازد، بیرون است، اما به طور خلاصه می‌توان گفت که ما برای اطمینان از قرار گرفتن در وضعیت مناسب برای پذیرش قطعنامه، به زمان و موقعیت قابل اعتماد نیاز داشتیم؛ موضوعی که بحث درباره آن مجال و موقعیت دیگری را می‌طلبد که در شماره بعد به بررسی آن خواهیم پرداخت.

■ **تجمیع بحث:**

با توجه به موارد اشاره شده و پاسخ‌هایی که به سه سوال مهم ابتدای بحث دادیم، می‌توان نتیجه گرفت که توقف دفاع، پس از آزادسازی خرمشهر، نه تنها تصمیم هوشمندانه‌ای نبود، بلکه می‌توانست آسیب‌ها و خسارت‌های جبران‌ناپذیری به ما وارد کند و حتی دستاوردهایی را که با مجاهدت و سلحشوری جوانان این مرز و بوم به دست آمده بود، یکسره برباد دهد.

«فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی»

شرکت آب و فاضلاب استان خراسان رضوی در نظر دارد ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصات عمومی یک مرحله ای به شرح ذیل از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی از دریافت وتحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی تا ارسال دعوتنامه ، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند . تاریخ انتشار فراخوان در سامانه ۱۴۰۲/۰۷/۰۱ می باشد. اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرایند ارزیابی کیفی و ارسال دعوتنامه از طریق سامانه ستاد به مناقصه گران ارسال خواهد شد.

ردیف	موضوع مناقصه	شماره فراخوان	مبلغ برآورد کار
۱	طرح آبرسانی شهر سمیع آباد شهرستان تربت جام	۲۰۰۲۰۰۱۴۴۶۰۰۰۰۹۹	۷۵،۴۱۳،۰۰۱،۴۷۰ ریال

مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی: ساعت ۱۹ روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۰۸
مهلت ارسال پاسخ استعلام ارزیابی کیفی: ساعت ۱۵ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۲۳
هزینه چاپ آگهی در دو نوبت بر عهده برنده مناقصه خواهد بود.

دفتر روابط عمومی و آموزش همگانی شرکت آب و فاضلاب استان خراسان رضوی
سایت اینترنتی: www.abfakhorasan

۳۶۳۱۲